



گردوهای پوچ انقلاب دیروز چه می گفتند؛ امروز چه می گویند! (۱)

بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

مُدْبِدْبَيْنَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَمَنْ يُضِلِ اللَّهُ فَلَنْ
 تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا^۱

سرگشتگان میان کفر و ایمان اند؛ نه با اینان و نه با آنان، آنکه خدا
 گمراهش کند هیچ راهی برای او نخواهی یافت.

مقدمه

دکتر عماد افروغ یکی از نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای با
 روزنامه کیهان در ۶ تیرماه ۱۳۸۴ گفت:

عده‌ای توقع نداشتند کسانی که یک روز هاشمی (رفسنجانی) را مظهر
 استبداد و اقتدار گرایی و خودکامگی معرفی می کردند دفعته‌اً در دور
 دوم انتخابات او را مظهر اصلاح طلبی، آزادمنشی و آزادگرایی معرفی

۱. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۳.



کنند. کسی که از بیرون قضاوت می کند می گوید: این چه روشنفکری در کشور است؟ این چه گروه‌های سیاسی است که دیروز آن گونه علیه کسی شب‌نامه، مطلب و کتاب چاپ می کنند اما یک دفعه تغییر موضع می دهند و پشت سرش می ایستند. اتفاقی که ما شاهدش بودیم و آن را یک بیماری و ضعف نظری برای روشنفکری می دانیم از تنعم آنها از شبکه قدرت و ثروت سرچشمه می گیرد...

این یک واقعیت تلخ تاریخی است؛ جریانی که در ایران خود را روشنفکری می خواند چه در لباس روحانیت و چه در قالب‌های مدرن از ابتدای تولد تا به امروز گرفتار بیماری مزمن «تذبذب» بوده است و دلیل عمده این بیماری مزمن و ریشه‌دار نیز به درستی ارتزاق این جریان از شبکه قدرت و ثروت در کشور می باشد؛ شبکه‌ای که پیوسته با تلاطم قدرت و ثروت همراه می گردد؛ تلاطمی که مشحون از بیش‌فعالی مخرب، سستی عقیده، فقدان مبانی نظری، عمل‌گرایی فاقد اندیشه، سرسپردگی به تقلید، غش کردن پیوسته به سمت دشمنان دین و ملت و از همه بدتر خیانت به آرمان‌های ملت ایران می باشد. این تمام کارنامه جریان، گروه‌ها، احزاب و افرادی است که در تاریخ معاصر ایران خود را روشنفکر می خوانند.

قرآن با «مذبذب» خواندن اینها تفسیر دقیقی از روان‌شناسی شخصیت فردی و سازمانی آنها ارائه می دهد؛ زیرا تذبذب حرکت چیزی است که در هوا آویخته باشد و هیچ جای پای محکم و استواری در روی زمین نداشته باشد. خداوند آدم‌های منافق را دارای چنین ویژگی‌هایی می داند زیرا منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند، به هر حرکتی می چرخند، به دیگران وابسته هستند و بی‌هدف سرگردان‌اند؛ «مذبذبین بین ذلک». منافقان، آرامش ندارند، به عبارت دیگر بیش‌فعال هستند؛ چون پیوسته باید موضع جدید بگیرند. به قولی هنوز مرکب موضع قبلی خشک نشده است موضع جدید اتخاذ می کنند و در مواضع اعتقادی و بینش فکری، قاطعیت لازم را ندارند.

هدف این سلسله یادداشت‌ها، تبیین مستند و مستدل تاریخ تذبذب روشنفکری و جریان‌های وابسته به آن نیست زیرا ملت بزرگ ایران از دوران قاجاریه تا به امروز با برخورداری از آموزه‌های ناب اسلامی و معارف اهل بیت سرنوشت سست و اسف‌بار جریان روشنفکری را با گوشه‌ت و پوست خود لمس کرده است و تاریخ‌سازی در این بخش حتی اگر با مهارت‌های خاصی انجام گرفته باشد نمی تواند ذهنیت تاریخی مردم نسبت به گذشته غیر قابل دفاع این جریان را تغییر دهد؛ همان طوری که کسی نمی تواند



با لطایف‌الحیل ذهنیت تاریخی ملت ایران نسبت به استعمار غرب و خیانت‌های تجددگراها و اصلاح‌طلبان سرسپرده به اروپا و آمریکا را تغییر دهد.

از آنجایی که تناقضات عجیب و غریب رفتاری، گفتاری و عقیدتی این افراد و جریان‌ها در طول تاریخ حیاتشان تا به امروز هزینه‌های سنگینی را به ملت ایران تحمیل کرده است تلاش خواهیم کرد از این شماره فصلنامه بخشی را تحت عنوان «دیروز چه می‌گفتند؛ امروز چه می‌گویند!» به این تناقضات اختصاص دهیم.

این بخش آینده‌ای است برای دیدن زشتی‌های تذبذب و نفاق در عقیده، رفتار و گفتار و زیبایی‌های استواری در عقیده و مقاومت در مقابل وسوسه‌های قدرت، ثروت و وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای، حزبی، گروهی و سازمانی. زیبایی‌هایی که هدف عمده آنها همگونی‌ها و سطوح هویت‌یابی مشترک و متداولی است که برای زندگی کردن با یکدیگر و در کنار هم ضروری است. تذبذب عموماً این همگونی‌ها و هویت‌یابی‌های مشترک را مورد حمله‌اعوان و انصار خود قرار می‌دهد.

در حوزه سیاست، مردم عموماً مصرف‌کننده محصولات گفتاری، رفتاری و عقیدتی کارگزاران حکومتی، گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی می‌باشند. این مسئله دست‌مایه مناقشات مختلفی در جامعه است. اگر «خودبرگزیده‌های» یک جامعه که خود را نخبگان می‌خوانند به این مسئله توجهی نکنند و اختیار عقلانی رفتارها، گفتارها و ابراز عقاید خود را از کف بدهند و آن را در اختیار نفس سرکش قرار دهند، اولین حوزه‌ای که آسیب جدی خواهد دید استقلال، آزادی و جمهوریت ایران عزیز در حوزه سیاستگذاری خواهد بود که آسیب جبران‌ناپذیر به فرآیند مردم‌سالاری جامعه است. هیچ جریانی در ایران و خارج از ایران قدرت آن را ندارد که به اسلامیت نظام لطمه‌ای وارد سازد چون اسلام در عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران نفوذ دارد. در الگوی نظام جمهوری اسلامی ایران ضربه زدن به اسلامیت نظام تنها از طریق اختلال و تشکیک در جمهوریت نظام امکان‌پذیر است. اگر هنوز عده‌ای این مسئله را باور ندارند بهتر است نگاهی به کتاب/ستراتژی/امنیت ملی/آمریکا در قرن ۲۱ بیندازند. در این کتاب استراتژیست‌های امریکایی می‌گویند:

ممکن است (حتی به احتمال زیاد) که در بیست و پنج سال آینده حکومت مذهبی ایران سقوط کند.^۱ در حال حاضر حکومت ایران جمهوری اسلامی است؛ اما نمی‌تواند به مدت طولانی هم جمهوری و

۱. قابل ذکر است که این کتاب حدود ۱۴ سال پیش یعنی در آستانه ورود به سال ۲۰۰۰ نوشته شده است.



هم اسلامی باقی بماند. ایران باید یا از جمهوری بودن دست بردارد و به یک حکومت واقعاً قرون وسطایی تنزل یابد و یا اسلامی بودن را کنار بگذارد. نبرد برای آن آینده هم اینک آغاز شده اما نتیجه برای کسی روشن نیست.^۱ اگر رژیم فعلی سقوط کند امواج آن در سراسر جهان اسلام احساس خواهد شد و به تبع آن، جنبش‌های اسلامی بنیادگرا ضربه خواهند خورد.^۲

همان طوری که روشن است غرب از مفهوم جمهوری اسلامی و بودن جمهوریت و اسلامیت در کنار هم دل خوشی ندارد و از زمان دولت سازندگی و دولت اصلاحات تا به امروز تمام توان خود را به کار گرفته است که بین این دو جدایی ایجاد کند. جدا شدن این دو در ایران، در رأس سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت امریکا و متحدانش قرار دارد و غرب می‌داند مهار جنبش‌های بیداری اسلامی در جهان تنها از طریق ضربه زدن به پیوستگی اسلامیت و جمهوریت در نظام سیاسی ایران است. زیرا کارآمدی این مفهوم در نظام جمهوری اسلامی به معنای برآمدن الگوی جمهوری جدیدی غیر از جمهوری‌های سکولار غربی به ویژه برای جهان اسلام است.

متأسفانه از آنجایی که سیاست در جامعه ما بیش از حد معقول رسانه‌ای شده و مردم هر روز بیش از پیش از روش‌ها و صورت‌بندی‌های سنتی سیاست یعنی آگاهی خانه به خانه، محله به محله، مسجد به مسجد و هیئت به هیئت فاصله می‌گیرند و در فضاهای مجازی به دنبال هویت‌یابی مستقیم و بی‌واسطه می‌گردند تذبذب رفتاری، گفتاری و عقیدتی نخبگان، قدرت‌تخریبی بیشتری بر جای می‌گذارد.

در این بخش تا می‌توانیم از تحلیل رفتارها و گفتارها پرهیز خواهیم کرد و اگر هم توضیحاتی در پی نقل و قول‌ها ارایه می‌شود صرفاً برای تقریب ذهن به اصل واقعه و تعیین موضع کلام می‌باشد. تا جایی که اطلاع داریم در طول تاریخ کسی افراد باثبات عقیده را به عنوان افرادی خشک و بدون تغییر و ایستا یاد نکرده است؛ همان طوری که کسی یک نظام سیاسی باثبات را به عنوان یک نظام ایستا و بدون تغییر یاد نمی‌کند. اکثر متفکران و دانشمندان و محققان متفق‌القول‌اند که ثبات عقیده در افراد و ثبات

۱. خوانندگان محترم عنایت داشته باشند که مراد نویسندگان از این جمله اشاره به جنگ‌های زرگری اصلاح‌طلبان در دولت آقای خاتمی در مورد تقابل جمهوریت و اسلامیت نظام است. جنگی که هنوز توسط اصلاح‌طلبان ادامه دارد.

۲. استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، تدوین کمیسیون استراتژی امنیت ملی آمریکا، ترجمه جلال دهمشگی و دیگران، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲.



سیاسی در نظام‌ها نه تنها مستلزم حذف امکان تغییرات مهم اجتماعی و سیاسی نیست بلکه شرط لازم چنین تغییراتی می‌باشد. هدف ما در این بخش مشخص کردن برخی از ضعف‌ها و ناپایداری‌های شخصیتی در تحلیل‌ها یا بی‌ثباتی عقیدتی در افراد و جریان‌هایی است که حدودی برای این ناپایداری‌ها و بی‌ثباتی‌ها قائل نیستند و در جه تقابل آرای آنها نه تنها در موضوعات اجتماعی بلکه حتی در موضوعات شرعی که عموماً حلال و حرام‌ها و مستحب و مکروه‌ها در آن تابع قواعد باثباتی است بسیار عجیب و غریب می‌باشد. در جایی مخالفت با یک فرد را مترادف با کفر و خروج از دین می‌دانند و در جایی دیگر خود سردمدار همه مخالفت‌ها با همان فرد می‌شوند. در جایی با صدها آیه و حدیث به آسمان و زمین می‌زنند تا اثبات نمایند که حد و مرزی برای اختیارات فقیه در شریعت وجود ندارد و در جای دیگر حتی اختیارات بدیهی فقیه در امور شرعیه را که تردیدی برای آن در طول تاریخ وجود نداشت را مورد تشکیک و نفی قرار می‌دهند. تغییر و دگرگونی مبتنی بر منطق عقل و ادله شرعی و حتی بعضی از شرایط اجتماعی توسط هیچ کسی در طول تاریخ تقبیح نشده است اما آنچه قبیح است پریشانی عقیده، رفتار و گفتار در هر روز و هر دقیقه و فتوایی متضاد و متناقض با فتوای گذشته در یک موضوع و مصداق صادر کردن و مردم را به این سو و آن سو کشاندن و شالوده همبستگی و وحدت اجتماعی را به هم ریختن است. این بخش روی سخنش با کسانی است که با رفتارهای متزلزل خود جامعه را به سمت پریشانی و گم‌گشتگی نشانه‌ها هدایت می‌کنند؛ ویژگی آدم‌های مذبذب چنین است. چون خود فاقد نشانه هستند جامعه و افراد آن را نیز بی‌نشانه می‌سازند.

ذکر این نکته ضروری است که جریان روشنفکری در ایران را باید در هر لباسی و در هر پایگاهی و با هر عنوانی، در صورت‌بندی یک پدیده تاریخی نظیر هر پدیده تاریخی دیگر مطالعه کرد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که مانند بعضی‌ها گرفتار این توهم نگردیم که پیش‌انگاشت ما از مفهوم روشنفکری ما را از شناخت دقیق آن باز دارد. زیرا در این پیش‌انگاشت هر کسی تصور می‌کند که ماهیت این جریان را دقیقاً می‌شناسد و اسم روشنفکری دلالت بر وجاهت آن دارد. این پیش‌انگاشت معلول فریبندگی‌های ناشی از مأنوس بودن با مفاهیم و پدیده‌هاست. در ذهن ما عموماً تصویر مأنوسی از این مفاهیم و معانی داریم اما این انس و هر آنچه ممکن است در دفاع از آن گفته شود هیچ جایگاهی درون چهار چوب ارزیابی‌های یک محقق اجتماعی و همچنین در چهار چوب ارزیابی‌های علوم تجربی و علم تاریخ ندارد.



البته باید بی درنگ اضافه کنیم که رهیافت‌های این بخش با یک لوح سفید آغاز نمی‌شود زیرا کانون توجه آن محدود به کسانی است که به هر دلیلی به خاطر مواضع متناقض و متضاد خود در مقابل انقلاب اسلامی صف‌آرایی کرده‌اند. ما به منظور جای دادن این مواضع در چهارچوب تفسیری وسیع‌تر ناگزیر از تکیه کردن بر مواضع کسانی هستیم که با این مواضع به جنگ آرمان‌های یک ملت آمده‌اند و تفاوتی میان بی‌ثباتی، سست‌عقیدگی و وادادگی خود با تمایلات واقعی مردم قائل نیستند و این بی‌ثباتی را عین تمایلات جامعه معرفی می‌کنند. بنابراین هشدارهای اخلاقی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این بخش نه از موضع برآمده از اختلافات عقیدتی و سیاسی بلکه از روی احساس اضطراب شناختی برای دفاع از انقلابی است که برای به ثمر نشستن آن خون پاک‌ترین فرزندان این مرز و بوم بر زمین ریخته شد. عدم پرهیز از این اضطراب شناختی را به تمامی کسانی که دل در گرو دفاع از انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن منافع قومی، فامیلی، شخصی، جناحی، حزبی و جریانی دارند، شدیداً توصیه می‌کنیم.

نخستین حاصل این هوشیاری اضطراب‌شناختی آن است که برخلاف توهومات خواص عوام‌زده، هر عقیده‌ای مورد احترام و تکریم نیست و امکان ندارد تار و پود حکومتی که بر اساس دین شکل گرفته و دوام می‌یابد کاری با دین مردم نداشته باشد و اگر نه چگونه می‌توان مجاهدت‌های انبیا و اولیا در طول تاریخ را در مبارزه با بی‌دینی، شرک، جهل، ظلم و فساد توجیه کرد؟ اگر قرار است هر عقیده‌ای محترم باشد و دولت جمهوری اسلامی نیز کاری با دین مردم نداشته باشد چگونه می‌توان دم از حق و باطل، زشت و زیبا، ظلم و عدل، فقر و غنا و بسیاری از مفاهیم زیبای بشری زد؟ دومین حاصل این هوشیاری آن است که نشان دهد فرآیندهای این مواضع متناقض قابل برگشت است بنابراین اعمال شکی معقول در قبال همه این اظهارنظرهای متناقض حق هر کسی در جامعه است. ما می‌خواهیم در این بخش شرایط این شک معقول را با رایحه اسناد فراهم سازیم.

مهمترین پرسشی که هر فرد مسئول در قبال این تناقض‌گویی‌ها با آن روبه‌روست این است که برای دستیابی به اهداف شخصی، خانوادگی، قبیله‌ای، جناحی و حزبی چقدر رنج انسانی قابل قبول است و ملت مظلوم و وفادار ایران چقدر باید هزینه پرداخت نماید تا خوی جاه‌طلبی‌های این افراد و جریان‌ها ارضاء گردد؟ آیا قربانی شدن نسل نهضت مشروطیت، نسل نهضت ملی شدن صنعت نفت، نسل جنبش خونبار ۱۵ خرداد سال ۴۲ و نسل سایر جنبش‌های اجتماعی دوران معاصر برای ارضاء این تمایلات کافی نیست؟



نمایش مواضع متزلزل این افراد و جریان‌ها کمک می‌کند تا هزینه‌های انسانی این فرآیند که در ایران تبدیل به یک روش سیاسی و فکری شده است تا حد امکان تقلیل یابد. ما در هدف اخلاقی تمامی کسانی که مایل هستند پژوهش‌های اجتماعی ایران این مسائل را به صورت مفهوم قابل فهم در آورد کاملاً شریک هستیم.

متأسفانه هیچ راه دیگری جز قطع این گره کور و درگیر شدن با تمایلات نفسانی و جناحی این افراد نداریم. کسانی که تندروی‌ها و کندروی‌های خود و جریان و جناح و خانواده و قبیله خود را به پای مردم، نظام، امام و اسلام می‌گذارند و تاوان سست‌عنصری، پریشانی رفتاری، گفتاری و عقیدتی خود را از مردم می‌گیرند هیچ حد و حصری را رعایت نمی‌کنند. برای کنترل چنین افراد و جریان‌هایی تنها آگاهی جامعه راهگشا خواهد بود. به تعبیر یکی از متفکران غربی، آگاهی، آرایش تصادفی عناصر تشکیل دهنده آن نیست؛ آگاهی در الگوهای سازمان داده می‌شود که می‌توان آنها را به طور منظم توصیف کرد.^۱ هدف اصلی این بخش منظم کردن اسنادی است که برای ما امکان توصیف و تحلیل رفتارهای پریشان افراد و جریان‌های مذکور را فراهم می‌سازد.

شیخ یوسف صانعی دیروز چه می‌گفت؛ امروز چه می‌گوید؟

مختصری درباره شیخ یوسف صانعی

شیخ یوسف صانعی را که امروز معارضان داخل و خارج انقلاب تحت عنوان آیت‌العظمی و مرجع تقلید یاد می‌کنند، ملت ایران به ویژه نیروهای نسل اول به خوبی به یاد دارند. شیخ یوسف صانعی تا روز پیروزی انقلاب از الفبای سیاست بیگانه بود و در آن روزگاری که جوانان جان بر کف حوزه‌های علمیه با مبارزات بی‌امان خود رژیم شاه را به ستوه آورده بودند، نامبرده در زمره بی‌خبران بود و حتی دستی از دور بر آتش نداشت، لیکن خود ادعا می‌کند که در سال‌های نخست بعد از پیروزی انقلاب عضو شورای نگهبان و تا سال ۱۳۶۴ دادستان کل کشور بود:

زمانی که امام مبارزات را شروع کرد، ما در خدمت امام بودیم، منتها ما حلقه‌های چهارم و سوم مبارزه بودیم... حلقه سوم منبری‌های تهران بودند که تبلیغ می‌کردند و یا منبری‌های بلاد، ما در کنار حلقه سوم مبارزات بودیم...^۲

۱. پیتر برگر و دیگران، *ذهن بی‌خانمان*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نی، ۱۳۸۱، ص ۲۷.

۲. *شهروند/مروز*، ۱۳۸۶/۸/۲۰، ش ۲۴.



صانعی در اول انقلاب ابتدا به عضویت شورای نگهبان در آمد و مدتی بعد به عنوان دادستان کل کشور منصوب گردید ولی این بار هم دو سال و نیم بعد استعفای وی به دست حضرت امام رسید. آقای صانعی دلایل کناره گیری خود را در نامه ای به محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی چنین برشمرده بود:

۱. ضعف نیروی جسمی ۲. عدم پذیرش و تحمل نظارت بر حسن اجرای قانون از ناحیه گروه ها و باندها ۳. داشتن افکار و مبانی در مسائل اسلامی که بنا بر نظرات برخی از آقایان، آراء شاذ محسوب می شد و در برابر این آرا مقاومت می شد ۴. کم لطفی برخی از مقامات و جامعه در مورد پشتیبانی از دادستانی.

در روزهایی که صانعی دادستان کل کشور بود، مسئله عدم صلاحیت آیت الله شریعتمداری برای مرجعیت از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام شد. در آن زمان حجت الاسلام موسوی تبریزی - که امروز خود را یکی از روحانیون اصلاح طلب روشنفکر معرفی می کند - به عنوان دادستان کل انقلاب اسلامی با موافقت امام خمینی (ره)، طی نامه ای مصادره اموال شریعتمداری و انتقال آن به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را - که در آن زمان توسط آقایان عبایی خراسانی و جعفری گیلانی و دیگران که بعدها جزء نیروهای جناح چپ بودند - خواستار شد. حضرت امام نیز آقای صانعی را مأمور اجرای این حکم کردند و در هاشم نامه موسوی تبریزی مرقوم فرمودند: «جناب آقای صانعی طبق ورقه عمل شود.»

آیت الله صانعی که پس از استعفا به قم بازگشته بود به فعالیت های حوزوی توجه نشان داد اما آرام آرام تغییرات عجیب و غریب در افکار، رفتارها و گفتارهای وی هویدا شد و پریشانی های متناقض از آنچه دیروز می گفت با آنچه امروز می گوید آشکار گردید. اگر چه صانعی تلاش می کند که چرخش های عقیدتی، رفتاری و گفتاری خود را نه به شخصیت متزلزل خود بلکه به تغییر شرایط این دوران نسبت به دوران امام خمینی حواله دهد لیکن هر عاقلی که اندکی اطلاع از قواعد فقهیه داشته باشد می داند که چرخش دوران و شرایط اجتماعی، هیچ گاه تغییری در ماهیت احکام الهی ایجاد نمی کند و حلال را حرام و حرام را حلال نمی سازد.

در کجای تاریخ مشاهده شده است که یک عالم اسلامی چه برسد به کسی که ادعای مرجعیت دارد به خاطر مخالفت با افکار و اندیشه های یک کارگزار دولتی به وی نسبت حرام زاده دهد و نسبت به تبعات شرعی و قضایی این اتهام جاهل باشد. متأسفانه تذبذب در اعتقادات و پریشانی در رفتارها و گفتارها و عوام زدگی در صدور فتاوی شرعیه باعث

شد که گفته‌های دیروز آقای صانعی با گفته‌های امروز وی تفاوت‌های ماهوی داشته باشد و مردم ندانند که کدام صانعی را باید باور کرد؟!^۱

صانعی دیروز می‌گفت:

- من به عنوان یک مسئله شرعی می‌گویم که تخلف از فرمان آیت‌الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام صادق (ع) و رد بر امام صادق (ع) رد بر رسول‌الله (ص) و رد بر رسول‌الله (ص)، رد بر الله و موجب خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است و طبق روایت عمر ابن حنظله در باب ولایت فقیه رد بر او در حد شرک بالله است و...^۲

- تأیید ایشان یک واجب الهی است نه یک مستحب.

- ... مسئله یک امر جزئی نیست و عدم تأیید ترک واجب است و ترک واجب موجب معصیت و خروج از عدالت است.

امروز می‌گوید:

- «مالانص فیه» هیچ ولایتی ندارد. در این موارد، مدار بر مصلحت جامعه است، به تشخیص خود جامعه، و فقیه نمی‌تواند نظر خود را تحمیل کند و الاثباتاً سر از استبداد درمی‌آورد.^۳

صانعی دیروز می‌گفت:

- اگر روزی امضای مقام رهبری از روی قانون اساسی برداشته شود آن قانون اساسی ارزش ندارد.

- مراجعه به دیگران یعنی قبول نکردن حرف مقام رهبری است و قبول نکردن حرف مقام رهبر برمی‌گردد به قبول نکردن حرف مقام ولی عصر (عج)... پس نه تنها مراجعه به دیگران احتیاج نیست بلکه معصیت و خلاف شرع است.

امروز می‌گوید:

- باید توجه داشت که مشروعیت جمهوری اسلامی زمانی حاصل

۱. این بخش با برداشت از مقالات آقای دکتر امید حسینی در هفته‌نامه ۹ دی نوشته شده است. خوانندگان محترم می‌توانند برای آگاهی بیشتر و عمیق‌تر با افکار متشنت شیخ یوسف صانعی رک: سلسله مقالات؛ پاسداشت مرجعیت واقعی / نقد دیدگاه‌های فقهی و سیاسی شیخ یوسف صانعی در هفته‌نامه مذکور؛ ظاهراً نویسنده مذکور این مقالات را تحت عنوان «بازخوانی دیدگاه‌های فقهی و سیاسی آیت‌الله صانعی در سال ۱۳۹۰» از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به شکل کتاب منتشر کرده است.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۲۲، ش ۲۹۰۶، ص ۳.

۳. همشهری، ۱۳۷۸/۳/۱۳.





می شود که توده مردم در انتخابات شرکت کنند و اگر توده مردم شرکت نکنند، از نظر قانون اساسی، مشروعیت دچار مشکل می شود.^۱

صانعی دیروز می گفت:

- قانون اساسی که خون بهای صدها هزار شهید و معلول است، تا آن موقعی ارزش دارد که مقام رهبری آن را می پذیرد اما اگر روزی مقام رهبری در جامعه قانون اساسی را نپذیرفت، دیگر این قانون اساسی با همه محتویاتی که دارد، نمی تواند حکومت را اسلامی کند، چون اساس این قانون، ولایت فقیه است.^۲

امروز می گوید:

- به طور کلی مشروعیت اعمال حاکمیت و حکومت قانونی در زمان غیبت منوط به رأی مردم است. بنابراین بی اعتنایی به رأی مردم و آنان را سیاهی لشکر دانستن، خود یکی از مصادیق بارز خرافه پرستی و موهومات است، چراکه منجر به استبداد و دیکتاتوری و شخص پرستی و تملق و چاپلوسی و موجب سلب آزادی های افراد می شود. تکیه بر جنبه های فیزیکی امر به معروف و نهی از منکر، بی پاسخ گذاشتن اشکالات دیگران، به سبک کار و عملکرد مجریان و بسنده کردن به این جمله صرف که «اسلام این را گفته!» و همه مسائلی که طی زمان مردم را به اسلام بدبین می کند نیز از مصادیق خرافه پرستی است.^۳

صانعی دیروز می گفت:

- آنچه بر طبق این قانون توسط نمایندگان تصویب می شود و از مجلس شورای اسلامی می گذرد، مانند رساله باید به آن عمل نمود، چون قانونی که از مجلس می گذرد به عنوان حکم حکومت رعایتش بر همه واجب است و این تا جایی است که مقام رهبری آن را پذیرفته باشد، ممکن است که رهبران آینده جمهوری اسلامی، قانون اساسی فعلی را قبول نکنند... طوری شود که مقام رهبری نخواهد و بگوید: من این قانون اساسی را قبول ندارم که در این صورت، قانون اساسی از ارزش قانونی اسلامی افتاده است. تمام ارزش این قانون به آن است که ولی عصر (عج)

۱. گفت و گو با صدای امریکا N.P.R در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲.

2. <http://www.amaliat.blogfa.com/post-226.aspx>

۳. شرق، ۱۳۸۴/۴/۸.

آن را پذیرفته ما نیز می‌پذیریم.^۱

امروز می‌گوید:

- باید توجه داشت که با فرض پذیرش حکومت در اسلام و اینکه دین و کتاب و سنت طرفدار نظم و عدالت و آزادی و رسیدن افراد به حقوق خودشان می‌باشند، چاره‌ای جز مشروعیت قوانین در نظامات اجتماعی نداشته و ندارد و گرنه باید قوانین و مقررات شهرداری‌ها، راهنمایی و رانندگی و آموزش و پرورش و ثبت احوال و اسناد و... همه و همه را خلاف موازین شرعی دانیم و طرفدار هرج و مرج و بی‌قانونی باشیم که نعوذ بالله منه، آری بدیهی است که در وضع قوانین باید رعایت مصالح جامعه بشود که تشخیص با آن هم تنها و تنها با نمایندگان محترم مردم است که به یک اعتبار، خود مردم می‌باشند که خداوند آنها را بر سرنوشت‌شان حاکم قرار داده است.^۲

صانعی دیروز می‌گفت:

- دشمنان و خائنین نشینند و مصوبه مجلس خبرگان را وسوسه کنند. مسئله حقوقی و قانونی را نمی‌شود با وسوسه حل کرد. یک اصل مسلم در دنیا این است که هر قانونی که در دست مجری افتاد فهمش معتبر است...

- متزلزل کردن نظام اسلامی که موجب عسر و حرج و ضربه به مردم و کیان اسلامی می‌باشد خلاف شرع است.

- آقا در منصب قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه در متن انقلاب و حوزه بوده این همه نعمت‌هایی را که از انقلاب داشته، فراموش می‌کند و به جای اینکه از برکات انقلاب و بازسازی جاده و مدارس و روستاها و تلفن و آب و برق و دیگر نعمت‌های انقلاب بگوید، افکار روشنفکر مآبانه پیش گرفته است. اگر این انقلاب نبود، خانواده او و الان خود او در کجا بودند. ما هیچ چیز نداشتیم. حتی نمی‌گذاشتند که تاریخ رسول اکرم (ص) را توی قبرستان‌ها بنویسند، حتی اجازه نداشتیم مسئله‌ای بگوییم و امام در نجف مسئله می‌گفتند به جای اینکه تبلیغ از اسلام و انقلاب بکنند

۱. همان.

۲. همبستگی، ۱۳۸۱/۱/۲۶.





هم‌دست با یکسری افراد منحرف و یاوه‌گو می‌شوند.^۱

امروز می‌گویید:

- قضیه آقای منتظری که اتفاق افتاد، روحانیت یا سکوت کردند و یا

تأیید؛ و تنها من بودم که در این وسط ایستادم.^۲

صانعی دیروز می‌گفت:

- تانبض مسلمین در دست ولی فقیه که جانشین از طرف امام معصوم

است نباشد، این بدبختی‌ها و فشارها ادامه خواهد داشت.

- ولایت فقیه در همه چیز حاکم است و می‌تواند خلاف هر مقرری و

آیین‌نامه‌ای را بگوید. حتی می‌تواند خلاف قانون و مصوبات مجلس را

هم بگوید...

- ولایت فقیه سایه‌ای از ولایت ولی عصر (عج) است. به یک معنی خود

ولایت ولی عصر (عج) می‌باشد.

- باید توجه داشت که قانون اساسی نسبت به رهبر و ولایت فقیه‌ی که

ما ثابت می‌کنیم کوتاه آمده است؛ یعنی حق ولایت فقیه به معنایی که

مورد اعتقاد ماست در قانون اساسی نیامده است.^۳

- اینکه در قانون اساسی یک مطلبی بود ولو به نظر من ناقص است و

روحانیت بیش از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب

دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند، یک مقداری کوتاه آمدند،

اینکه در قانون اساسی هست این بعض شئون ولایت فقیه است نه همه

شئون ولایت فقیه.^۴

- مردم چه رأی بدهند و چه ندهند، فقیه آگاه به زمان، ولی است و

حکم او واجب و اینکه در قانون اساسی رأی را پیش‌بینی کرده به خاطر

این است که پایگاه مردمی پیدا کند.^۵

- من نمی‌دانم که چگونه باید تعبیر کرد، اما این همان ولی عصر (عج)

در قالب ولایت فقیه جلوه می‌کند و در قالب ولایت فقیه متبلور و روشن

۱. اظهارات صانعی پس از عزل منتظری.

۲. اظهارات صانعی در ۱۳۸۸/۵/۲۹، دفتر صانعی با حضور جمعی از عناصر اصلاح‌طلب.

۳. یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، حدیث و قانون اساسی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰، ص ۱۵۰.

۴. همان.

۵. همان.

می شود...

- امروز صحبت کردن علیه جمهوری اسلامی صحبت کردن علیه اسلام، رسول الله، ولی امر (عج) است و اگر به این نظام و حاکمیت ضربه بخورد به اسلام ضربه خورده است و این تنها نظامی است که مسئولین آن با همه مشکلات برای رضای خدا و رضایت امت انجام وظیفه می کنند.

امروز می گوید:

- نظر مجلس ششم بر ولی فقیه هم ترجیح دارد.
- مجلس و شورا در فرض تراحمش با بقیه افراد و آرا در حکومت، نظر مجلس شورا مقدم است.^۱
- خداوند در امور سیاسی هیچ کسی را قیم بر مردم قرار نداده است.^۲

صانعی دیروز می گفت:

- در برخوردها بعد از آنکه با اخلاق اسلامی برخورد کردید، حاضر نشد به شما جواب بدهد و حاضر نشد امنیت مملکت را حفظ کند. شما می توانید او را دستگیر و به دادسرا بفرستید، چون این جرم مشهود است... بعد از اخلاق اسلامی اگر دیدید حاضر به جواب دادن نشد و شما به او مشکوک هستید، به عنوان احتمال یک حرکت ضد انقلابی و جرم مشهود و مبارزه با امنیت مملکت می توانید دستگیرش کنید و او را به دادسراها و مراجع قانونی بفرستید. اگر کسی اعتراض کرد بگویید فلانی (صانعی) به عنوان یک دادستان در فلان سخنرانی و صحبتش این را گفت و من این را به عنوان یک مسئله قضایی دارم، به شما می گویم و مسئولیت آن هم به عهده من است. به آنان که پاسخ شما را نمی دهند، بگویید در صورت ندادن پاسخ ما شما را به دادسراها جلب می کنیم و آنها را به عنوان جرم مشهود و حرکت ضد انقلاب به دادسراهای انقلاب بفرستید، چون احتمال توطئه است. پاسخ دادن او واجب است و فرض است که جواب شما را بدهد و واجب است که شما هر چه گفتید جواب بدهد. آنها نمی توانند بگویند آزاد هستیم. خیر، تو آزاد نیستی. تو از این

۱. یاس نو، ۱/۴/۱۳۸۲.

۲. دیدار با اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۸.





آزادی می خواهی آزادی را ببری و از این آزادی می خواهی انفجار و ترور به وجود بیاوری. برای چه جواب نمی دهی؟ تو که صبح تا شب این همه حرف می زنی از دو کلمه جواب دادن خودداری می کنی؟ و شما به او بگویند که می توانید او را به دادسرا جلب کنید و اگر باز جواب نداد به عنوان جرم مشهود جلب کنید و مسئولیت آن هم با بنده به عنوان یک دادستان و حافظ حقوق جامعه است. با اینها قاطعانه برخورد کنید. باید اینها از شما بترسند... ضد انقلاب باید آنقدر از شما بترسد که عکس شما را ببیند فرار کند و اگر این جور شد، مسلمان صددرصد هستید.^۱

امروز می گوید:

- ای آقایان! هرگز از صدمه و ضربه به انقلاب نترسید و تا فردی حرف زد با این استدلال که سخن او صدمه ای به انقلاب است با او برخورد نکنید. بنابراین مردم را اذیت نکنیم و به آنها نگوئیم که تو علیه انقلاب حرف زدی، خوب اگر فردی هم علیه انقلاب حرف زد با حرف جوابش را بدهید. به افراد نگوئیم که تو علیه انقلاب نوشته ای، چه چیزی نوشته است؟ مگر فردی می تواند با نوشته اش به انقلاب صدمه بزند؟ چرا می گوئیم که حاکمیت را زیر سؤال بردی؟ مگر می شود حاکمیت جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد؟ مگر می شود با این کتابها و تألیفات امام راحل و با این استقلال حوزه علمیه که امیدوارم تا ظهور مهدی دوام پیدا کند حاکمیت را زیر سؤال برد؟^۲

به راستی کدام صانع متعادل، معقول و اسلامی می اندیشد و کدام یک از گفتارهای وی را باید خارج از هوای نفس و تفسیرهای قومی و قبیله ای و جناحی دانست؟ گفته های دیروز یا گفتارهای امروز را؟!

این چه روش ناپسندی است که افراد وقتی خود در رأس قدرت و مکتب و حکومت هستند همه چیز حتی زیر پا گذاشتن خون شهیدان و در افتادن با کمترین اعتراضات مردم را نه تنها مباح بلکه واجب و عین شریعت و دموکراسی و قانون و حقوق بشر می دانند اما به محض اینکه به هر دلیلی از اریکه قدرت به زیر آمدند همه آنها قبیح و حرام و ناپسند و ضد آزادی و ضد قانون جلوه داده می شوند؟! روشنفکران تا وقتی سر در

۱. جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۱۲/۱۱، اظهارات صانعی در دیدار با گشت ثارالله.

۲. اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۴.

گریبان استبداد رضاخانی و محمد رضاخانی داشتند نه از آزادی خبری بود نه از قانون و نه از دموکراسی، اما به محض اینکه از تباط آنها با قدرت و ثروت بریده شد پرچمدار مبارزه با استبداد و آزادی خواهی و دموکراسی در ایران شدند.

ایستادگی صائمی در مراسم بزرگداشت شهدای علمیه تبریز در کنار مظلومیت شهدای بیاد جنایات ضد انقلاب باشید و بداند مدار بر این دشمنان این نظام باشد تمی ایستیم

کشیدند ایران سرزمین است
دانشگاه کل کشور در
تعمیر این بحث در سوریه
سکونت جمهوری اسلامی
گفتند در حالی که امروز
سکونت ما سوریه دیگری
شرق و غرب و مرتجعین
قرار گرفته اند، خزان است
که سوریه ملان شد باشند
و سکونت می باشند که
سکونت آنان ایست است
از بیادمالی که سره خون
خوبان است و اگر در این
روایت اصلی آنان با منتهی
مردم نیست به هر حال جمهوری
اسلامی بنویسند. گناه آنان
تایید می و گناهی به
خون شهیدان.

همزمان با غیبت میلاد
پادشاهت امام حسن مجتبی
(ع) و در یازدهمین روز
ماه مبارک رمضان - در
آستانه عید نور ماه شب
گشت با حضور جمعی از
مردم شیعه و روحانیان
در محل شهیدگاه اینک
مقام مجتبی و ۷۷ تن از
باران امام برگزار شد.

در این مراسم ابتدا آئینی
از قرآن کریم توسط گروهی
شبهه دفتر فقهی علمیه تبریز
شد و سزاوارت اشعار
و مکتوبات میلاد امام حسن (ع)
و سائره اشعار مفرغی
حزب جمهوری اسلامی -
ایستادگی صائمی در استیلا
کشور صائمی آزاد کرد.
وی با استاد به آئینی از
کلانایه جدید و روحانیان
اندیشه ای سازمان دوستانه
اساسی استاد بستی توری
تبریز و پانزدهم شهریور
پنجشنبه به این مناسبت در
سوریه اسلامی امروز
کشورمان برداشت و جشن
توسیع مردم به رعایت آنها
انزوا امروز این مستوفین
علمی و فقهی سنگین و عظیم
مادامه روحانیون مستوفین
جمهوری اسلامی است که چون
آب و آتش بود و مدعی
میکنند ما را به زمانه شده
انزوا و اولاد هستند به
نوعی تلاش کنند که خدای
محرور و پادشاهان ملانکنند
و جبران به ما دیگران
در این عید با به ما سوریه
کلیات امروز شرق و غرب
و سازمانهای گداز دناواز
حقوق بشر باشد و اگر یک
روز از سرنگان ما نریزند
آزاد نیستیم ما شکست
انقلاب اسلامی است و اگر
شوروی از ما شش کند.
روز فراخمدین زینت گشت





تاریخ مسلمانان در دست ولی فقیه نباشد ، فشار و بدبختی ادامه خواهد داشت

۴
ص ۵

العدد ۲۸
۲۵/۵/۴۳
۱۷۵۹۹

فر - در سائوز ولایت با صدان هشتاد هشتاد
تاریک آسان و کین و امانت علی بن موسی الرضا (ع)
جسی از برادران و خواهران خود بیست مسلمان
سود - پادشاهان آلمان اسلامی آراک در فر با اینکه صاف
دانشان کل کشور بجا می آید - بر این مدار دستان
کل کشور است ایامه سائوز سواد و دستار جلیست
تاریک علی بن موسی الرضا (ع) بپایه برآورده است
الله و نفس ولایت مبه برجامه مسلمان - بد خوشنویس
دانش مسلمانان جهان باسلام امریکتی و برآورده است
سوان لوگرت جوری جیت به لایه کشیدن کین ایشام
گردد و گفت : رسانده می گویی کشورهای باطن اسلامی
در برابر جادوایان بیام و بیجا میباشند برای که مراکز
و شهرها ما را بپاراز کرده و مردم سائوز و امریکتی
باید خاندان کوزین بپاراز سکوت جگه و این شاندهنده
اسلامی شایری و پشلی است کینلوگرت جوری را
گرفته است -

وید فرموده باید از فرود : تاریخ مسلمان در دست
ولی فقیه کینلوگرت از طرف امام معصوم است فایده
اینکه فایده و نظریه ای که خواهد داشت -
وی در آیه مسلمان خود است تاریخ جلیست
اسلامی ایران با یکی کشورهای اسلامی و مشن و ایران
صل چون به اسلام و حقایق اسلامی و نفس آن تاریخ
حاکمیت الله در تمام جمهوری اسلامی است : جودان نامه
در تمام گشته به تمام گشته بیست امروز در تمام
جمهوری اسلامی باطن مشن و باطن و اسلام بطوریکه
کای جنگ و پشلی از جیسا حرکت میکند و فصل
چون با حقایق حقایق اسلامی است - بگویند که ما
امروز سائوز و حقایق اسلامی است : از فلسفه
مسائل سائوز و حقایق اسلامی است :
بایدان کل کشور همچون تمام کرد : امروز که
مستویین و حضرت ولی امر (ع) در این سائوز حاکمیت
و همه کرایا بیست اسلام و قرآن است و با فکر بفرمان
رسانند و با آفرینا جدا کنیم . بجه حاکمیت نام را
حدا و به گشتهای ایران من تمام -
اینکه اسلامی تاریخ کرد : کین که طرفدار قانون
را بوسه بدارد خود میل کند به قانون است و کسی
که قانونشان را بوسه بدارد خود قانونشان است -
اینکه سائوز باطن به ترکت افرینا باطن
تمام جمهوری اسلامی و مشن جنگ ملیه این تمام توسط
آنان و سائوز سائوز در چشمه کین : امروز مسلمان
کین ملیه تمام جمهوری اسلامی مسلمان کین ملیه سائوز
رسول الله و ولی امر (ع) است و اکثر باین تمام و حاکمیت
شریه بخورد به اسلام شریه بخورد است و این تمام
نکسی است که مسلمانان آن باشد حاکمیت برای رساندن
خدا و چای رعایت است انداز و باید میکند -
وی سائوز از آمد همیشه در صحنه و انقلابیسان
خواست از برای قانون و مشن و خط امام مسلمان
فرود آورده و به تمام بی گشته و این تمام را نسبت
تاریک که فرود در برابر خدا مسلمان حقی جوری
خواست بود -

آیت الله مسلمان طی سختانی در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها:

من به عنوان يك مساله شرعی می گویم که نخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای

خسروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است

۶۸/۴۷۲۴
۶۹-۶

امروز قانون اساسی باستانی مطابق
با شرح باشد. عنوان که کردن نظام
اسلامی که موجب حسرت و حرج و
تسری به مردم و گناه اسلامی
می باشد خلاف شرع است.

در پخشنامه منبر است. نظر ۴۰
نفر از هر گان منبر نیست و ضمناً
اصل چهار قانون اساسی همه این
مسائل را حل کرده است.
اصل چهار می گوید که تمام

و مسوولیت خسروج از ولایت الله
و ورود به ولایت شیطان است. طبق
روایت حسرت این حقیقت بر بیاب
ولایت ظاهره بر او بر حد شرک
بالفحش است.

و اما حفظ و تقویت آیت الله
خامنه‌ای هر چه بیشتر تاکید و
تقویت شود. اسلام و انقلاب
اسلامی و حوزهای علمیه و فقه و
قوانین تقویت شده است.

تأکید ایشان یک واجب الهی
است نه یک منصب. مسئله ایران
اسلامی و حاکمیت اسلام است.
مسئله یک امر جزئی نیست و وضع
تأکید، فرق واجب است و امر
واجب خسروج معصیت و خسروج
از دعوت است.

آیت الله مسلمان طی سختانی
فرمود: «مسلمانان و حامیان انقلاب و
منبر، بیست و بیست و سه نفر
گذاشت. مسئله قانونی و حقوقی را
نمی شود با وسوسه حل کرد. چنان
اصل مسلم بر دنیا این است که هر
قانونی بر دست سیری افتاد همین
حسرت است.

اگر مجلس قانونی را گرفتند و
با دست حیات دولت که این نامه
بسیرند دولت به مردم خسروج
این نامه می نرسد. قاضی هم
معیضت است. حقیقت است همه
چون این اولین بار است فقط به اینجا
که رسیدن واقعی باشد.

من حاضر و بتوانم یک پایه و
التماسی که طرفه قوم مسوولیتی
نباشد بشنویم و ثابت کنیم که این
موضوع هم بحکم اولی طبق قانون
اسلامی و هم بحکم اساسی طبق
قانون اساسی می باشد. نسبت
تفسیر از مجلس است و خسرت گناه
ناخواهی داشته که اصل قولی با
کافی حجتی مطابق است و نظر
هر گان قانون است. چنین نظر
باشد پس هر گاه می گوید و قاضی

قوم خسرت روزنامه جمهوری
اسلامی. منشأست شب علمیه
و حجت جانگاز و هر کس غیر انقلاب
و بیانگاز جمهوری اسلامی از
سوی دیگر تبلیغات اسلامی خسروج
علمیه قوم، نیز علمه بر تزیی علمه
جمعه، خسروج مسوولیت انقلاب
خبر اولی، بنام ۱۵ خرداد و بنام
شهبه قوم و بیست و سه نفر
حجت الاسلام و المسلمین
سورنی از اعضای منبر امام
جمعی از اساتید و مدرسین خسروج
علمیه و تأییدگان مجلس شورای
اسلامی و آئین انکار مختلف مردم
خسروج قوم و خسرت آن از
راهنمایان شیطان با نام، بیست
بسیارگویی شب شبیه در سخن
استفهام حضرت معصومه (س)

بر گزار شد.
بگزارش خبرنگار ما در این
مجلس آیت الله مسلمان طی
سختانی با اشاره به شرح همان
حضرت امام فرموده‌اند که هر
چشمه اگر باشد گفت: نمی شود
مسئله اینچنین عبارتی را آنچه که
می توانستیم به او نشده باشد
خداوند طبق وعده‌ای که داده است
انقلاب که اصلی ترین خواسته
امروزه به هر خواهد رسید.

آیت الله مسلمان طی سختانی
بیان داشتی ضمن فراتر گفتن از
و صحبت‌ها حضرت امام که در آن
حده مراجع، علمیه و مردم را به
معیضت هر صحنه و حمایت از نظام
اسلامی توجه کرده و مسامحت بر
اسسرت مسلمانان و از گناه مسلمانان
ایستادگی داشته است گفت: من
بخوانم یک مسئله شرعی می گویم
که نسبت از مسوولیت آیت الله
خامنه‌ای گناه و معصیت است
بسیر کرده پس او، و دست امام
مسئله از خسروج دست امام
مسئله از خسروج دست امام

و در بر رسول انور می
و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت

و در بر رسول انور می، و در بر آیت





قانون کشوری تعیینی به شورای نیست. او
پروان عالی کشور بود پس امروزه کفالتی
موازیه و شورای را عمل کرده با خبر و
این کار در استان را سرحدت بالا بود و
شور از یکی در مورد اکثر حکوما در مرد
و سه ماه پادشاهی طرف است که در بیشتر
دادگستری عالی خاص سو که در استان
معاونت یکی در ولایت و اربت و... کار می کند یا
حقیقت است حکم داده می شود.
با اکثر موضوع امروز دادگستری در
ایران در واقع نادر است که می توانیم ادوات
پادشاهی را در استان، عدالت و کفالتی پس
بسیار طرف سرگشته است. الان اکثر مستعدا
سه ماه و چهار ماه و حداقل یکسال را می
استند قبل باشد و خیلی پیچیده پس از
دیوان طرف نمی کنند آنگاه یا در مورد کشوری
است. اما در استان نیز می توانیم در مورد
می شود و بگریز نبره ای که می توانیم داشته

اما چون کشوری تعیینی بوده در دادگستری
مطلب افتاد اما الان به قضای کشوری
استادان آن قضای طلب افتادگی کشوری
سوا یا معاونان ریویزی یا نظارت
با قضای نظارت عالی چه شورای عالی
قضای چه قضای استانی در تحقق افتاد
ان برافشانه شده است.
چا شورای عالی قضای قضای قضای
در وقت جلسه دارد. بر آن جلسه پرونده
حالی می رود و معمولا در زمان حال
گرومی هم می شود. و قضای را که
با به اکثریت و در سرچ قضای است. البته
پادشاهی کارها حیا حیا قضای دادگستری
مستزاد قضای ارجاع می شود. و پادشاهی
در وقت دیوان عدالت جاری می شود تا
پادشاهی در وقت کارها برسد.
البته سرچشمه گم می شود پس چا
پادشاهی در آن قضای که در سابق بود
نست و با خیلی کرده است.

است و اگر به روز ایدادای به تمام
دریور و روز امر قضای سرمد تمام
شاملی.
حاکمیت ولی امر می باشد است و بر
صاحبان مقدم است و هیچ چیز نمی تواند
مقام ولی امر را تهدید کند و هر چه در
کند همان معنی است. و تلفظ از گو گفته
و معضلی کرده است. و عبادتگاه ولی
امر حکمی و تقاضای هیچ استیجابی و نظیر
دیگران نیست بلکه مراجعه به دیگران
معصیت و خلاف شرع است. مراجعه به
دیگران ایستادن بر مقابل مقام رهبری و
تسلیم آن مقام است. مراجعه به دیگران
چلی قبول نکردن طرف مقام رهبر است
قبول نکردن طرف مقام رهبر برمی گرداند
قبول نکردن طرف مقام ولی عصر (عج).
پس تقاضای مراجعه به دیگران استیجاب نیست
بلکه معصیت و مستحق شرع است.
و مستلزم باید از این نوع اعمال صحت

هنگامی که ولی امر حکمی داد مراجعه به دیگران معصیت

و خلاف شرع است



● حاکمیت ولی امر همه جا
است و بر همه چیز مقدم است
و هیچ چیز نمی تواند مقام
ولی امر را تهدید کند.

شرک عدالت است.
و با کسی که دادگستری است
که می تواند پرونده را در دادگستری
تیرداند و اگر ممکن است افراد بسیار خوبی
هم باشد اما در این مورد و با بازداشت
گردد هم نیست چنانچه الان طبق اصل
قانون قضای اگر قضای در حالی حکم می کند
را نباید باید شرع موازی شرع بود و از
تقاضای قضای و مدعی قضای مستند و باید
و این مسئله صحت قضای با را باز کند
در آنجا که نمی تواند حکم را پیدا کند
شرع موازی قضای می رود در موردی که
از قوانین دیوان اکثر قضای حکم را پیدا
نمی کند. شرع عریض و منبسط و روح قوانین
نموده می رود.
سوا پرونده قضای صرفا تا چه حد
ریویزی شده است
چا دادگستری کار خردشان را می کنند

سوا بفرمایند که حکم ولایت قضای
چه حد حاکمیت دارد و می تواند بر حقوق
و این تا چه حد است و مستعدا مقدم شود و
آنها را قو یا مقام داد
چا ولایت قضای بر همه چیز مسلط
است می تواند خلاصه می شود و این تا چه حد
را بگوید. باینکه در هیئت دولتی
توسه.
حلی می تواند خلاصه قانون و دستورالعمل
می شود. یا هم بگوید اما ولی امر معمولا
این کار را نمی کند. اما در تمام ایستادها
کمیته ها. قانون و قضای قانون مدنی
می شود هم حاکم است و بالاتر از آن از قضای
قانون استانی یا پادشاهی مشایخ رهبری
است. والا اگر روزی اضلاع مقام رهبری
از روی قانون استانی و پادشاهی نبوده آن
قانون استانی از قضای. میزان سایرین
این است چون در رابطه با مقام رهبری

می رود که در این مورد قضای تمام است
در هر یک از این موارد که در این مورد
است. ولی به هر چه می تواند هیئت
روشنی هم می تواند حق روزگاری
بگوید من از گذشته در بر سر می بینم...
می رود یا حق. از خبر ندیده بر سر...
مدرسه جدید گمشد و مشایخ رهبری
گذا داد بزرگه در گیا و مقام ولی امر
گذا ولی امر مستعدا قضای تمام می
دند و قضا مراجعه به دیگران هیچ جایز
نیست. مستعدا است. خط اخلاقی است.
و بر مسلمانان است که پیش از پیش از
این مورد پیش می رود که در اکثر
است لکل بود. که بخواند در روزگاری
از این مورد قضای تمام است.

پیام اہانت سجد و سالی با مکتبیت عبد تقدیر حق نقد و اعتراض مردم در جامعه علی پستد باید مورد احترام باشد



بنا بر اساس بیعتی که در سال ۱۲۰۷ قمری در کربلا منعقد شد و در آن حضرت علی (ع) در برابر امام حسین (ع) سجد کرد و این سجد را «سجد اہانت» خوانند. این سجد در واقع سجدی است که در برابر کسی که در مقام امامت است انجام می‌دهند. در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند. این سجد در واقع سجدی است که در برابر کسی که در مقام امامت است انجام می‌دهند. در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند.

در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند. این سجد در واقع سجدی است که در برابر کسی که در مقام امامت است انجام می‌دهند. در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند.

در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند. این سجد در واقع سجدی است که در برابر کسی که در مقام امامت است انجام می‌دهند. در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند.

بنا بر اساس بیعتی که در سال ۱۲۰۷ قمری در کربلا منعقد شد و در آن حضرت علی (ع) در برابر امام حسین (ع) سجد کرد و این سجد را «سجد اہانت» خوانند. این سجد در واقع سجدی است که در برابر کسی که در مقام امامت است انجام می‌دهند. در این سجد، ساجد در برابر امام سجد می‌کند و این سجد را «سجد اہانت» خوانند.





آیت الله مسلم بن سخنانی در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها:

۲ من به عنوان يك مساله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه ای
خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است
۶۸/۵۲۳
۲۹۰۶

هنگامی که ولی امر حکمی داد مراجعه به دیگران معصیت
و خلاف شرع است



● حاکمیت ولی امر همه جا
است و بر همه چیز مقدم است
و همه چیز نهر، سواله مقام

آیت‌الله خاتمی دادستان کل کشور در مراسم تعازل جمعه یزد :

امروز در کشور اسلامی ما، «حدود»، دیات، قصاص و تعزیرات اجرا می شود

آیت‌الله خاتمی امام جمعه یزد در حضور مردم در جبهه‌ها تاکید کرد

ایمانی نسبت به شور و شوق جهانی، سازمان بازرسی کل کشور و بررس‌های حدود شور و شوق جهانی تقاضای تقویت امنیت و ... باید اما در این فرضی دهی که گفتند تا شوند و ... باید اما در این فرضی دهی که گفتند تا شوند و ...

یزد - آنگاه بر حاکمیت تعازل جمعه یزد با حضور کثیر از آیت‌الله خاتمی دادستان کل کشور و جمعی از نمایندگان قبل از خطبه‌ها مطالبی بیان داشتند. وی بر ارتقاء جایگاه انقلاب اسلامی و گسترش آن در زمینه‌های مختلف در جهان و ایران، مسلمانان و مسلمانین دنیا و تأثیر آن در انقلاب اسلامی جهان در جهان گسترش پیدا کرده و باعث ترقی و وحدت انگیزان جهانی و اثر جایگزینان شروع فریاد مسلمانان





بسمه تعالی
 در اینجا در حضور من آیه الله
 عا منه ارب بت طلعه الهی خبر تا
 در اینجا تا نیت به نظر و در
 در اینجا در این روز من تنها مستقر
 استم بسیار شد بلکه همیشه جامع الفوائد
 را بجزب که این است است ۲۰۰
 ساریه اشیا بر من ساریه شده است
 ۱۳۱۱

شماره ۱
مجله ۲۰ آذر ۱۳۳۲
۲۰ رجب ۱۳۱۱، شماره ۲۲۱۹، خرداد ۱۳۳۲

۸۷

هستار آبن الله مانعی نسبت به نوطنه بلند گوهای استعماری در ارتباط با مرجعیت

باستان: ازین حاکم و نطق به حاصل و
وای بیوشی استند، بر جنگی، پندار
استقلال و سادگرم و حلقه گریز
انقلابی کار، برین اثر خست، پاک
پوشانی و سبب، برین سادگی و حلقه
استقلال، بیست، استقلال بر خست
حاکماتی سواد علیه کور است، پندار
و کشتار، استقلال، پندار

در یادگار ایام باستانی، ازین که
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

که استقلال، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین

برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین
برین، برین، برین، برین، برین، برین



آیت الله صاعمی:

تخلف از فرمان آیت الله

خامنه‌ای

گناه

معصیتی

بزرگ است



شنبه شب هفته گذشته بنسبیت شب هفت رحمت جانگاز رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دبیرخانه مرکزی آئینه جمعیه، بنیاد شهید ۱۵ تره‌داد قم... و با حضور انتشار مختلف مردم مجلس، با شکوهی در صحن مطهر حضرت معصومه (س) برگزار شد.

در شب هفت رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی، آیت الله صاعمی طی سخنانی با اشاره به سعادت صدر حضرت امام و ارزشهایی که وی در جامعه بوجود آورد گفت: نمی‌شود خدا این چنین عارفی را آنچه که می‌خواهد به او نهد، وی افزود: یقیناً خداوند طبع و عهده‌ای که داده است، انقلاب که اصلی ترین خواسته امام بود به تکرر خواهد رساند. آنگاه وی با حمایت از رهبری مقام رهبری آیت الله خامنه‌ای گفت: من به عنوان بناد مسئله شرعی می‌گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام صادق (ع) و رد بر امام صادق (ع) دارد (ص) و رد بر رسول الله (ص) و رد بر رسول الله (ص) است و موجب خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است و طبق روایت صحیحین حنظله در باب ولایت نقیبه رد بر او در حد شرک بالله است.

وی افزود: و اما حفظ و تقویت آیت الله خامنه‌ای هر چه بیشتر تأیید و تقویت شود، اسلام و انقلاب اسلامی و حوزه عالی علمیه و فقه و قرآن تقویت شده است.

مجله دنیای ورزش سال نوزدهم - شنبه ۲۷ خرداد

۱۳۶۸ - شماره ۸۹۹ ص ۱۷